

## نتایج فراخوان اعتصاب عمومی

باز هم رسوایی برای سازمانهای ناسیونالیست کرد طرفدار موسوی و کروبی  
اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست

بسیاری احزاب و گروه های ناسیونالیست در حمایت از فراخوان حامیان موسوی و کروبی، به مردم کردستان فراخوان دادند که روز سه شنبه دوم تیر ۱۳۸۸ به اعتصاب عمومی دست بزنند. مردم آگاه و منتفر از جمهوری اسلامی به فراخوان طرفداران موسوی و کروبی جواب منفی دادند و با این کار یک بار دیگر رسوایی نصیبشان کرد.  
ص ۲

## بیانیه شماره دوم، ۱۹۸ نفر از کمونیستها در کردستان خطاب به مردم مبارز کردستان

انتخاب ما مرگ بر جمهوری اسلامی و خواست ما آزادی و برابری است

در بیانیه قبلی خود خطاب به مردم کردستان اعلام کردیم که، خواست کارگران و مردم آزادیخواه چیزی کمتر از سرنگونی رژیم اسلامی سرمایه نیست و نباید در معرکه گیری "انتخابات"شان شرکت کرد. تحولات بعد از "انتخابات" هم دقیقا ادامه همان معرکه گیری است.  
ص ۳

## اهداف فرمان دهندگان اعتصاب در کردستان ارتجاعی است، آنها را رسوا کنید!

اسد گلچینی

دوران نسبتاً پیچیده ای است، دوران بسیار فریبنده ای است و دورانی است که اگر کارگران آگاه، کمونیستها و مارکسیست ها و آزادیخواهان روشن بین حضور فعال نداشته باشند باز هم انواع خواست های ارتجاعی، اهداف و سیاست های ضد کارگری و ضد آزادیخواهانه و مردم فریب در جامعه جاری میشود و میلیونها نفر را با خود میبرد.  
ص ۴

## مردم آزادیخواه کردستان نباید به جنبش ارتجاعی "سبزها" بپیوندند! نبايد به فراخوان فرصت طلبان چون عبدالله مهتدی پاسخ مثبت داد!

سلام زیجی

در شرایطی که همفکران و هم جنبشی های مهتدی، حزب دمکرات کردستان-ایران، جبهه متحد کرد و نمایندگان خود گمارده کرد در مجلس و غیره در رکاب کروبی و موسوی و به عنوان بخشی از پروژه جمهوری اسلامی تمام توان خود را بکار گرفتند که فریب کاری کنند و مردم کردستان را به پای نمایش انتخاباتی جمهوری اسلامی بکشانند،  
ص ۶

## اطلاعیه پایانی پنجم چهاردهم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

ص ۵

## اطلاعیه های حزب حکمتیست در مورد اوضاع کنونی ایران

ص ۸ - ۷

# اکتبر ۲۳

نشریه کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۳ تیر ۸۸ (۲۴ ژوئن ۲۰۰۹)

سر دبیر: رضا دانش

Rz.Danesh@gmail.com

## صف خود را از ارتجاع جدا کنید! برای آزادی دستگیر شدگان تلاش کنید!

مردم!

جناح شکست خورده اسلامی دست بردار شما نیست. اگر اسلاميون سپاه مردم را کشتار و خانواده ها و ميليون ها انسان را در غم و اندوه جان باختن عزیزان شما فرو برده اند، اسلاميون سبز با سو استفاده از احساسات انسانی شما مشغول بردن یک بار دیگر صف میلیونی تان به زیر بیرق ارتجاعی خویش اند. در این راستا کربی مشغول کسب اجازه برای تجمع شما تحت عنوان گرامیداشت یاد قربانیان روزهای گذشته زیر سایه اسلام سبزتان است. منتظری هم با همان هدف عزای عمومی اعلام کرده است. رضایی هم که شکایت خود را پس گرفته است. اینها فراموش کرده اند که خودشان در دوران های قدرت شان مستقیماً از همین مردم کشتار و قتل عام کرده اند. اینها خود دست شان به خون جوانان این جامعه آغشته است. خود اینها به عنوان قاتلان مردم شایسته دادگاه و محاکمه اند. با این حال قاتلین دیروز ما چتر باز کرده اند که اعتراض بر حق مردم به جمهوری اسلامی را زیر آن جمع کنند. میخواهند با هر ترفندی مانع عبور کل مردم از جناح های حکومتی شوند. جناح حاکم به قدرت کشتار و اینها به قدرت فریب مشغول حفظ نظام اند. به این وضعیت باید پایان داد. باید صف خود را از این جانان جدا کرد. باید پرچمی شایسته انسان به دست و راه متفاوتی از اینها در پیش گرفت، راهی که به زیر کشیدن کل این نظام را تضمین میکند.



# آزادی، برابری، حکومت کارگری

## نتایج فراخوان اعتصاب عمومی

در جریان معرکه گیری انتخابات نیز علیرغم تلاش این جریانها، اکثریت مردم مبارز کردستان بنا به تجربه و آگاهی بسیار شفاف خود از حاکمیت جمهوری اسلامی، در رای گیری شرکت نکردند و اقلیتی هم که شرکت کردند از بخت بد اینها به کروی، شیخ شجاع! که کاندیدشان بود رای ندادند. همه این واقعیتها چیزهای غیر از بی ربطی چنین گروه و سازمانهایی به مبارزه و زندگی مردم را نمیرساند. بالاخره چنین نتایجی از فراخوان مردم به اعتصاب عمومی، باید ملاک مهمی برای موجودیت و سیاست های این سازمانها باشد. چند رسوایی دیگر باید تکرار شود تا در این سازمانها را ببندید؟

کردستان سنگر مقاومت و مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی بوده است. احزاب و جریاناتی که میخواهند مبارزه مردم را طبق اهداف و برنامه احزاب دست راستی و ناسیونالیست پیش ببرند این را بهتر از هر کسی میدانند. آنها تلاش سختی کرده اند که این مسیر را تغییر بدهند. این غیر ممکن است چرا که سنت های مبارزه توده ای بر علیه رژیم، جنگ بر علیه لشکر کشتی جمهوری اسلامی به کردستان، مبارزه کارگران و زنان در شهرهای کردستان، حضور و نفوذ کمونیستها در این جامعه و مبارزه قاطع با ناسیونالیستها که موجودیت کارگر و مبارزه کمونیستی برایشان قابل تحمل نبوده است و مبارزه ای سرسختانه با جمهوری اسلامی بخشی از تجربه این مردم است. سرمایه داران کرد و جنبش ناسیونالیستی

و احزابشان که خواهان مشارکت در قدرت و حکومت مرکزی هستند و آرزو داشتند که از طریق موسوی و کروی این را ممکن کنند باز هم شکست خوردند. اینها میخواستند برگردند مردم از این پله بالا روند. پاسخ منفی گرفتند. رسوا ترین بخش جنبش ناسیونالیستی، گروه و سازمانهای داخل کشوری اند که امروز هم در پی بدست آوردن مقام و پول، امکانات و وکیل، استاد و استنادار و فرماندار شدن، و همچون "پیشمرگان مسلمان کرد" که شایسته و برازنده اینهاست، جبهه چمپاتمه زده اند. شعله ور شدن مبارزه انقلابی در کردستان در هر فرصتی اینها را بشدت حاشیه ای میکند.

اینان باید بدانند که کردستان جولانگاه دسته جات قومی و ناسیونالیستی نیست، ما و طبقه کارگر در کردستان و زنان و جوانان و مردم محروم، سر سازشی با جمهوری اسلامی نداریم. باید بدانند ما و مردم مبارز از کلیت جمهوری اسلامی متنفریم. مردم دوران خاتمی و تلاش طیف وسیعی از ناسیونالیستها و احزابشان را در دفاع از سید خاتمی به یاد دارند. تلاشهای این دوره جریانات قومی برای بردن مردم زیر پرچم جناحی از جمهوری اسلامی، تنها دشمنی آنان را با منفعت اکثریت جامعه بر ملا خواهد کرد.

اینان باید بدانند که کردستان جولانگاه دسته جات قومی و ناسیونالیستی نیست، ما و طبقه کارگر در کردستان و زنان و جوانان و مردم محروم، سر سازشی با جمهوری اسلامی نداریم. باید بدانند ما و مردم مبارز از کلیت جمهوری اسلامی متنفریم. مردم دوران خاتمی و تلاش طیف وسیعی از ناسیونالیستها و احزابشان را در دفاع از سید خاتمی به یاد دارند. تلاشهای این دوره جریانات قومی برای بردن مردم زیر پرچم جناحی از جمهوری اسلامی، تنها دشمنی آنان را با منفعت اکثریت جامعه بر ملا خواهد کرد.

تجربه این دوره کوتاه و بسیار متحول در مبارزه مردم ایران با جمهوری اسلامی و نقش تک تک سازمانها، احزاب و گروه های سیاسی بسیار آموزنده است. کمونیستها و طبقه کارگر کردستان و هر انسان برابری طلبی باید با چشمان باز به این دوره نگاه کند. باید از این فضا، از

جامعه را مرعوب کنند. باید به شکنجه و زندان عزیزان اعتراض کنید. باید همراه بستگان تمام زندانیان، آزادی همه زندانیان سیاسی را خواستار شوید. در بازی این جانین شرکت نکنید!

→  
**مردم!**

مراسم های یادبود قربانیان را زیر بیرق اسلام سبز و سیاه نبرید. به فراخوان هیچ مهره ای جمهوری اسلامی جواب مثبت ندهید. همراه خانواده زندانیان به هر شیوه که خود مناسب میدانید خواستار آزادی عزیزان تان شوید. خواست آزادی زندانیان باید به خواست میلیونی تبدیل شود. قدرت شما میتواند این مطالبه را به جنایتکاران تحمیل کند. نباید اجازه داد با زندانی کردن هزاران نفر، از شما دهر چشم بگیرند و

شود، زندگی ما تحت حاکمیت این ها همان است که بود. خاتمی را بیاد بیاورید. با چشمان باز به این حرکات بنگرید. ببینید که جنگ در جبهه هریک از این جانین خطای محض است.

**مرگ بر جمهوری اسلامی**  
زنده باد آزادی و برابری

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
سوم تیر ۱۳۸۸ - ۲۴ ژوئن ۲۰۰۹



از سایت های زیر دیدن کنید

[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)

[www.iran-telegraf.com](http://www.iran-telegraf.com)

[www.oktoberr.org](http://www.oktoberr.org)

[www.marxhekmatsociety.com](http://www.marxhekmatsociety.com)

[www.hekmat.public-archive.net](http://www.hekmat.public-archive.net)

**مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی**

## ادامه بیانیه از ص ۱

ما بار دیگر و با تاکید بیشتر اعلام میکنیم که جدال جناحهای رژیم جنگ ما نیست. بیرقهای سیاه و سبزشان جز طوق بندگی و بردگی نیست. از شکافی که در صفوف دشمنان مردم افتاده و دو جناح تا مغز استخوان جانی و مرتجع را شاخ به شاخ کرده است باید فعالانه و با پرچم مستقل و صف مستقل کمونیستی و پرولتری خودمان استفاده کنیم. اما همان نیروهای مرتجعی که تلاش کردند مردم را پای صندوقها، پای تحقیر حق رای خود، پا گذاشتن روی عزت و شرافت انسانی خود ببرند، دارند همان تلاش خود را ادامه می دهند که باز هم مردم را، بدتر از دوران خاتمی، در منگنه شکاف درونی جناحها اسیر کنند و به تحقیر قرار گرفتن زیر پرچم سبز و شعار الله اکبر بکشانند. ننگ و شرم بر آنها!

با توجه به این موقعیت ایجاد شده، جا دارد ما کمونیستها در صف مقدم کارگران و مردم آزادیخواه کردستان بنا به شرایط و وضعیت جاری جامعه ایران، فرصت ناشی از شکاف درون جناحی رژیم را غنیمت شمرده، صف طبقاتی خودمان را در برابر کل موجودیت شان تقویت کنیم، به جای بیرقهای سبز و سیاه اسلامی، زیر پرچم آزادی و برابری متحد شویم و با هدف زیرکشدن رژیم سرمایه داران از اریکه قدرت صفوف خود را متشکل کنیم. در همین راستا جا دارد کارگران و مردم آزادیخواه بیانیه بدهند و اعلام کنند که حاکمیت سرمایه داران را نمیخواهند، و خواهان برچیدن بساط معرکه گیری انتخاباتشان، جدال و جنگشان، بیرق سیاه و سبزشان، شعار الله اکبرشان و کل موجودیت رژیمشان هستند. در متن این تعرض طبقاتی جا دارد ماهیت سرمایه داری و ضد کارگری حزب دمکرات کردستان - ایران شرکت کننده در "انتخابات" رژیم، و گروههای ناسیونالیست امثال کومه له برهبری عبدالله مهدی مشوق مردم در دخالت و حمایت از تحركات ارتجاعی بعد از آن را بیش از پیش افشا و رسوا کنیم و اجازه ندهیم بیش از این فضا را به نفع این جناح و آن جناح رژیم آلوده کنند.

جا دارد تاکید کنیم که در شرایط مناسب جوانان انقلابی کردستان از کانال کنترل محلات شهرها و محلهای کار و زندگی، به جاری کردن سیاست و قوانین رادیکال و انقلابی خود دست بزنند، ماشین خفقان و سرکوب رژیم را فلج کنند و از این راه، محل زندگیشان را از وجود جانین رژیم و هر داروسته مرتجع و و قلدری که محل امنیت مردم هستند پاک کنند.

ما مردم مبارز، کارگران، زنان و جوانان انقلابی و کمونیست را فرامیخوانیم که صفوف خود را با پرچم آزادی و برابری در هر اعتراض و مبارزه ای متحد و متشکل و قدرتمند کنند و این روزها را به مبارزه بر علیه کل حکومت اسلامی سرمایه داران و

برای آزادی زندانیان، بر علیه بیکاری و برای کار و یا بیمه بیکاری، برای برابری زن و مرد و بر علیه خفقان و سرکوب تبدیل کنند.

## مرگ بر جمهوری اسلامی

## زنده باد آزادی برابری و حکومت کارگری

\*\*\*

آرام خوانچه زر - آرزو محمدی - آرش حسینی - آرمان تکنازیان - آزاد آزادی - آزاد کریمی - آزاده محمودی - آژینا عبداللهی - آسو فتوحی - آفاق وکیلی - آمینه احمدی - اناهیتا محمدی - آوات صادقی - ابراهیم احمدی - ابراهیم باتمانی - ابراهیم بارسن - ابراهیم خانی - ابوبکر شریفزاده - اسد گلچینی - اسعد حاج حسنی - اسماعیل خضری - اسماعیل ویسی - افسانه شریفی - اقبال کاکه برایی - اقبال نظر گاهی - بارزان سعید زاده - بانو نوری - بختیار پیرخضری - بریا مولودی - بهزاد جواهری - بهمن تقی پوریان - بهنام ارانی - بیژن حاج حسنی - پرشنگ بهرامی - پیمان حسینی - توفیق پیرخضری - توفیق محمدی - ثریا خضری - ثویبه مرادی - حبیب مرادی - جلال برخوردار - جلال حسین زاده - جلال محمود زاده - جلیل رضایی - جمال بهرامی - جمال پیرخضرانیان - جمال کمانگر - جمشید اساسی - جمیل خوانچه زر - جمیل نظر گاهی - جواد اصلانی - چیم دارابی - حبیب عبداللهی - حسن احمدی نیا - حسن ساوجبلاغی - حسن قادری - حسین مراد بیگی (حه مه سور) - حسین مرادی - حصیه چوپانی - خالد حاج محمدی - خالد ظاهری - خانم صفری (سید زاده) - رئوف افسایی - رحمان حسین زاده - رحمت فاتحی - رحیم آل نبی - رسول بناوند - رضا دانش - رضا کمانگر - روناک زندی - روناک ناصری - ریوار رسولی - سارا احمدی - ساکار احمدیان - سالار کرداری - سحر احمدی - سردار قادری - سعید قادریان - سعید کرامت - سعید کشاورز - سعید یگانه - سلام زیجی - سوران بادفر - سوسن هجرت - سهند حسین زاده - سهیلا ترکیه - سیامک شجاعی - سیامک محبوب - سیف اله حیدری - سیف خدایاری - سیوان خدری - سیوان رضایی - شبو مرادی - شرافت کیوان - شهلا کریمی - شهلا وکیلی - شیرین هاشمی - صالح خضری - صالح سرداری - صلاح ایراندوست - طاهر شعبانی - عبه دارابی - عثمان رسولی - عزرا آدمی (آباجی) - عزت دارابی - عزیز عبدالله پور - عطیفه فاتحی - علی امجدیان - علی شریفزاده - علی شریفی - علی عبدالی - علی مطهری - عمر احمد زاده (نگلی) - عمر کریمی - غفور زرین - فاتح شیخ - فاطمه اقدامی - فاطمه محمدی - فاطمه نوروزی - فراز اسماعیلی

کنعانی - فرج شهابی - فرزاد نازاری - فرهاد امینی - فرهاد رسولی - فریبا محمدی - فریده آقاجانی - فریده جدیدالسلام (کاله) - فریده فرجی - فواد آقابیزگاده - فواد ترابیان - فواد عبداللهی - فواد گلمحمدی - فوزیه خالدیان - قادر محمود پور - قدرت ریاحی - کامیار احمدی - کامیل رضا زاده - کمال رضایی - کمال کریمی افشار (آبهننگ) - کیوان کتابی - کیومرث کابلی (کمال) - گلاویژ قادر نژاد - گلاویژ محمدی - گلناب سلیمی - لاله زندی - لقمان محمدی - لیلا احمدی - محسن حسینی - محمد جعفری - محمد خضری - محمد راستی - محمد علی بهمنی - محمد علی قادری (یمینان) - محمد فتاحی - محمد فضلی - محمد مراد امینی - محمد نوری - محمد یگانه - محمود سلیمی - محمود شهابی - محمود قادری (یمینان) - محمود گیلی کران - محمود محمد زاده (سییسری) - مختار محمدی - مریم افراسیابپور - مریم مصطفی سلطانی - مسعود قهرمانی - مصطفی اسد پور - مصطفی بیستون - مصطفی خضری - مصطفی قادری - مصطفی یونسی - ملکه عزتی - موسی یوسفی - مهین دارابی - نازار احمدی - ناصر محمدی - ناصر مرادی - نبی محمدی (مولینان) - نسرین امیری - نسرین باباسلجی - نسرین رخزاد - نسرین سنه - نسرین شیرزاد - نسرین محمودی اذر - نظیره معماری - نعمت رحمانی - وفا مصطفی سلطانی - وکتوریا جلالی - هادی عبدی (آبهننگ) - هاشم ترکمن - هتاو امینی - همایون گدازگر - یاسین حسینی - یحیی محمدی - یدی گلچینی - یوسف رسولی...

## ادامه دارد

متأسفانه ما موفق به ارتباط با بسیاری از رفقا نشدیم، لذا با پوزش، به اطلاع میرسانیم که امضا این لیست ادامه خواهد داشت و رفقای که مایل به امضا بیانیه هستند لطف کنند و با آدرس زیر ارتباط بگیرند.

agolchini@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

اسد گلچینی

agolchini@yahoo.com

مسئول روابط عمومی کمیته کردستان:

اسماعیل ویسی

esmail.waisi@gmail.com

## اهداف فرمان دهندگان ...

در دوره بعد از انتخابات و با توجیه اعتراض به تقلب های یک رژیم سرپا تقلب، جنبش ارتجاعی "رای من کو؟" با شعار الله و اکبر و مرگ بر دیکتاتور به رهبری موسوی، نخست وزیر یکی از سیاه ترین دوران های جمهوری اسلامی برای مردم ستمدیده ایران، براه افتاد. این حرکت توانست میلیونها رای دهنده را زیر پرچم ارتجاعی موسوی به صف کند و برای جدال و نزاع جناح های مختلف درون حاکمیت رژیم نیروی خیابانی فراهم کند.

این تحركات ارتجاعی تاکنون در کردستان بازتاب نداشته است. مردم آزادیخواه کردستان طی همه سی سال حیات ننگین جمهوری اسلامی سراسر علیه کل جمهوری اسلامی با همه نسخه ها و جناحهای ارتجاعی آن ایستاده اند. ارزش این تجربه مبارزاتی بسیار بالاست و جا دارد جانانه از آن دفاع شود. در این روزها "حامیان موسوی و کروبی" با نامه های مختلف به تقلا افتاده اند که آب را گل آلود کنند و با فراخواندن اعتصاب میخواهند صف ارتجاعی خود را به عنوان نیروی مردم کردستان قلمداد کنند و ادعا کنند که گویا موسوی و کروبی در میان این مردم مبارزی که همه این جانوران اسلامی را با تجربه خونین خود آزمایش کرده اند حامیان دارند! مردم مبارز کردستان به حامیان موسوی و کروبی در فراخوان به اعتصاب چه پاسخی خواهند داد؟ پاسخ منفی خواهند داد. اینها بارها این جواب را دریافت کرده اند اما باز میخواهند دست به تلاش دیگری بزنند. این تلاش ارتجاعی را مردم آزادیخواه کردستان با تکیه به تجربه و آگاهی سیاسی بالایشان بیشک عقب میزنند.

سازمانهایی همچون حزب دمکرات کردستان - ایران، شماری از دانشجویان کرد دانشگاههای ایران و "فعالان سیاسی و مدنی" کردستان، سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان و پاک، مردم را در کردستان به اعتصاب عمومی در روز سه شنبه ۲ تیر ۱۳۸۸ فراخوانده اند. اینها از جریاناتی بودند که مردم را به دادن رای به کروبی فراخوانده بودند.

آنطور که مساله ابراز میشود بحث بر سر حکومت گشتار است. این یک طرف

مساله است، هر انسان آزادیخواهی کشتار و سرکوب و خفقان جمهوری اسلامی را شدیداً محکوم میکند. اما جنبه اصلی مساله این است که این جریانات که در رکاب سرمایه داران کرد بودند و از مردم خواستند که به کروی رای بدهند، دستشان به جایی از رژیم اسلامی سرمایه داران بند نشد و مغبون شدند. مردم کردستان دست رد به درخواست ارتجاعی شان زدند اکنون میخواهند در فضای ناشی از شکاف درون رژیم با توجیه اعتراض به کشتار توجه و حمایت مردم را بدست آورند. اما مردم اینها و حمایتشان از بخشی از همین رژیم کشتارگر را میشناسند و باز به آنها پشت خواهند کرد. اینها میخواهند مردم اعتصاب کنند و جان فشانی کنند و خود را در برابر دستگاه رژیم قرار دهند چون خودشان در راهی ارتجاعی که در پیش گرفته بودند شکست خورده اند. مردم چه جوابی میدهند؟ به همان اندازه که به کاندید اینها در انتخابات رای دادند به اعتصابشان هم رای میدهند. و حتی به احتمال زیاد آن درصد پائین هم که فریب اینها را خوردند دیگر فریب نخورند.

بیشک مردم همراه ما به اینها میگویند شرم کنید که رفتید و به مردم گفتید رای بدهید. شرم کنید که تلاش کردید به معرکه گیری رسوای "انتخابات" جمهوری اسلامی مشروعیت بدهید. شرم کنید که نام خود را مبارز میگذارید و این معرکه گیری را انتخابات مینامید. قبل از هر چیز باید این ننگ در کردستان به نام شما ثبت شود که در تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ به درخواست جمهوری اسلامی پای صندوق های رای رفتید. مردم را تشویق کردید که به یکی از ۴ کاندیدای جنایت کار و آدم کش از مهره های مهم رژیم اسلامی رای بدهند. و الان از آنها میخواهید که بروند و باز هم گوشت دم توپ جناح های تا مغز استخوان دشمن با کارگران و مردم محروم در ایران و کردستان شوند؟!

میدانیم که این کار را دقیقاً بنا به منفعت و مصلحت سرمایه داران کردستان که همیشه آرزومند بوده اند تا ریزه خوار سرمایه دولتی و در رکاب رژیم سرمایه داران باشند و از طریق احزاب و گروههای سیاسی مثل شما منفعتشان منعکس شود انجام دادید.

به حاکمیت جمهوری اسلامی مشروعیت دادید. عوامفریبی بزرگی را مرتکب شدید. منفعت، مقام و منصب های بسیاری از شما در جمهوری اسلامی و آرزوی دست یابی به مقام و پول تحت نام کردایتی، باز هم شما را به دریوزگی بخش های مختلف رژیم کشانده است. عادت کرده اید همیشه به بخشی از حاکمیت جمهوری اسلامی و به یکی از جناح هایش متکی شوید. از خاتمی تا کروی و اکنون بقول خالد توکلی از موسوی و کروی هم باید استفاده کرد (و مقابلاً!)، هزار بار آرزو میکنید که چپ ها و کمونیستها نباشند تا شما براحتی در بند و بست با رژیم نه مساله کرد که مساله خودتان را "حل" کنید. سی سال است مردم مبارز کردستان یعنی اکثریت کارگر و زحمتکش با حاکمیت سرمایه داران و رژیمی فاشیست دست و پنجه نرم میکنند. این مردم در صف مقدم آزادیخواهی و عدالتخواهی بوده و تاریخ پر افتخاری در مبارزه با جمهوری اسلامی دارد و شما هر بار تحت نامی میخواهید این مردم را نزد دشمنانش به زانو در بیاورید. این محال است.

کارگران، مردم آزادیخواه کردستان!

کشتار مردم توسط جنایتکاران رژیم سرمایه بشدت محکوم است، باید در مجامع عمومی خود و تجمعات مستقل خود جمع شوید و این کشتار و سرکوب را محکوم کنید و خواهان آزادی فوری همه زندانیان شوید. در عین حال نباید به عوامفریبان و مرتجعین حامی موسوی و کروی فرصت بدهید که باز هم به شغل شریفشان ادامه دهند. سرکوب و کشتار مردم تهران توسط هم پالکی های موسوی و کروی که در دوران های حاکمیتشان هزاران انسان مبارز و کمونیست را بدار زدند و قتل عام کردند، نباید دستمایه هم پالکی های اینها در کردستان شود تا مردم را به بهانه "به یغما بردن میلیونها رای شما" به زیر پرچم خودشان ببرند. مردم مبارز کردستان باید به حامیان موسوی و کروی در فراخوان به اعتصاب پاسخ منفی قاطعی بدهند.

۱ تیر ۱۳۸۸

۲۲ ژوئن ۲۰۰۹

## اطلاعیه پایانی پلنوم چهاردهم کمیته مرکز حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

روزهای شنبه و یکشنبه ۲۳ و ۲۴ خرداد ۱۳۸۸ - ۱۳ و ۱۴ ژوئن ۲۰۰۹ پلنوم چهاردهم کمیته مرکزی حزب حکمتیست با شرکت اکثریت اعضا و علی البدلهای کمیته مرکزی برگزار شد. هیئتی از حزب کمونیست کارگری عراق در این پلنوم شرکت داشت.

پلنوم با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم آغاز شد. پلنوم بعد از تصویب دستور جلسه رسماً کار خود را شروع کرد.

### دستورات پلنوم از این قرار بود:

- ۱- گزارش
- ۲- اوضاع سیاسی ایران و موقعیت حزب حکمتیست
- ۳- انتخابات

در بخش گزارش ابتدا فاتح شیخ و خالد حاج محمدی به عنوان رئیس دفتر سیاسی و دبیر اجرایی حزب گزارشی از کارکرد حزب از کنگره سوم تا کنون را تقدیم پلنوم کردند. رئیس دفتر سیاسی و دبیر اجرایی ضمن گزارش فعالیت‌های حزب در این دوره، به جهت و تلاش‌هایی که در جواب به نیازهای این دوره فعالیت کمونیستی و مهمترین مسائل سیاسی که در مقابل حزب و جامعه قرار گرفته و نقشی که حزب داشته است اشاره کردند. بدنبال کورش مدرسی به عنوان دبیر کمیته مرکزی با نگاهی به کار و فعالیت حزب بعد از کنگره سوم، با گزارشی اختصاصی از وضع حزب در جامعه ایران و نقش و جایگاه تشکیلات ما و مسائل گریه‌ای که در مقابل ما بوده است، شمائی از کارکرد ما در این دوره را در مقابل پلنوم قرار داد. بدنبال مسئولین عرصه‌های کاری در حزب و اعضا هیئت اجرایی دفتر سیاسی و سپس اعضا کمیته مرکزی به سهم خود با اشاره به جنبه‌های مختلف کارکرد حزب، فعالیت و نقش و تأثیر حزب و همزمان کمبودها و نارساییهای کار و فعالیت حزب حکمتیست را روشن کردند.

مبحث اوضاع سیاسی ایران و موقعیت حزب حکمتیست توسط کورش مدرسی ارائه شد. کورش مدرسی ضمن اشاره به

تحولاتی که در ابعاد جهانی روی داده است، به مهمترین مولفه‌های اوضاع سیاسی ایران، به موقعیت طبقه کارگر و جنبش کمونیستی و حزب حکمتیست پرداخت. در این مبحث نیز معرف بحث و شرکت کنندگان از زوایای مختلف، هم موقعیت جمهوری اسلامی، هم توازن قوای موجود و هم جایگاه و نقش کمونیستها و حزب حکمتیست را مورد بررسی قرار دادند. پلنوم بر این مسئله تأکید کرد که در دل تحولات جدی در منطقه و در جامعه ایران صف بندیهای طبقاتی تغییر کرده اند، بخشی از اپوزیسیون جمهوری اسلامی و اقشار ناراضی در این اوضاع رفتن جمهوری اسلامی را به نفع خود نمیدانند و در تلاشند

در همین چهارچوب و با حفظ نظام سرمایه داری و رژیم حاکم، اهداف خود را دنبال کنند. پلنوم متفقاً تأکید کرد که جامعه ایران و صفتبندی سیاسی در این جامعه بشدت از نظر طبقاتی پولاریزه شده و منافع سیاسی طبقاتی کارگران شفافتر از همیشه در برابر منافع سیاسی طبقاتی همه اقشار بورژوازی چه در درون رژیم و چه در اپوزیسیون قرار گرفته است. پلنوم بر اهمیت خط متمایز حزب حکمتیست و اهمیت نقشی که کمونیسم دخالتگر میتواند داشته باشد اشاره کردند. پلنوم بر نقش رهبری حزب در فضای کنونی و اهمیت دخالتگری جدی با خط متمایز و سازش ناپذیر در مقابله با جمهوری اسلامی و برای ایجاد اتحاد در صفوف طبقه کارگر و اهمیت سازمان و تحزب کمونیستی طبقه کارگر تأکید گذاشت.

در بحث انتخابات، پلنوم کمیته مرکزی به اتفاق آراء کورش مدرسی را بعنوان دبیر کمیته مرکزی و ۱۵ نفر را بعنوان دفتر سیاسی انتخاب کرد که عبارتند از: آذر مدرسی، اسد گلچینی، اعظم کم گویان، امان کفا، بهرام مدرسی، ثریا شهابی، جمال کمانگر، حسین مرادبیگی، خالد حاج محمدی، رحمان حسین زاده، صالح سرداری، عبدالله دارابی، فاتح شیخ، مظفر محمدی و محمد فتاحی.

پلنوم چهاردهم کمیته مرکزی با سخنان فاتح شیخ در مورد پلنوم و مباحث ارزنده آن و کار و فعالیت جدی که در دستور دفتر سیاسی گذاشته است به کار خود پایان داد.

بعد از پلنوم کمیته مرکزی، دفتر سیاسی در روز دوشنبه ۲۵ خرداد- ۱۵ ژوئن نشست خود را با شرکت اکثریت اعضای دفتر سیاسی و با حضور کورش مدرسی دبیر کمیته مرکزی برگزار کرد. بحث اصلی دفتر سیاسی استنتاجات عملی مباحث پلنوم و همچنین تحولات اخیر در ایران بعد از معرکه گیری انتخابات رئیس جمهور بود.

دفتر سیاسی در نشست خود با نگاهی به مباحث پلنوم به جنبه‌های پراتیکی و استنتاجات عملی از مباحث پلنوم پرداخت و اقدامات فوری معینی را در دستور خود گذاشت.

دفتر سیاسی با بررسی همه جانبه تحولات ایران بعد از معرکه گیری انتخابات ضمن پافشاری مجدد بر مواضع درست و اصولی حزب در مورد "انتخابات" اخیر، تأکید کرد، که تنها راه رادیکال، انسانی و کارساز برای طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در ایران، جدا کردن صف خود از جناحهای جمهوری اسلامی و سازمان دادن و متحد کردن صف مستقل خود زیر پرچم آزادی و برابری است. دفتر سیاسی بر اهمیت دخالت فعال حزب در فضای سیاسی موجود برای شکل دادن به صف مستقل کارگران و آزادیخواهان، تلاش برای بیشترین استفاده از این فضا در جهت اتحاد فشرده مردم آزادیخواه و برابری طلب حول مطالبات رادیکال، و انسانی خود علیه کلیت جمهوری اسلامی و "کاندیدا"هایی که همگی نمایندگان سرمایه اند تأکید کرد و تصمیمات لازم در این

عرصه را به تصویب رساند. در ادامه نشست، دفتر سیاسی به اتفاق آراء فاتح شیخ را بعنوان رئیس دفتر سیاسی و خالد حاج محمدی را بعنوان دبیر اجرایی حزب و معاون رئیس دفتر سیاسی انتخاب کرد. سپس هیئتی هفت نفره را همراه دبیر اجرایی حزب به عنوان هیئت اجرایی دفتر سیاسی انتخاب کرد که عبارتند از: آذر مدرسی، اسد گلچینی، بهرام مدرسی، جمال کمانگر، حسین مرادبیگی (حما سور)، خالد حاج محمدی، رحمان حسین زاده و محمد فتاحی.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری  
ایران- حکمتیست

۲۷ خرداد ۱۳۸۸ - ۱۷ ژوئن ۲۰۰۹

## زنده باد آزادیخواهی و برابری طلبی

ادامه از ص ۱

## مردم آزادیخواه کردستان ...

## سلام زیجی

از آنجا که سازمان مهتدی میدانست مردم متنفذ از این رژیم در کردستان به دام این عوامفریبی نخواهند افتاد، در راستا آرزو دیرینه خود با حزب دمکرات کردستان ایران عکس مشترک گرفت و بیانیه مشترکی مبنی بر "تحریم انتخابات" صادر کرد.

از سر مصلحت و فرصت طلبی و "سیاست بازی" که ویژه چنین جریانات و رهبران بی پرنسیبی است برای منزوی نشدن در کردستان به سیاست "تحریم" روی آورد. اما پیام اخیر عبه مهتدی به مردم کردستان در عین حال که باز از سر فریبکاری و سیاست بازی ایشان نشاط میگیرد اما در عین حال دوباره او را به بستر اصلی خود و همان آرمان و اهدافی که به خاطر آن سالها پیش از کومله جدا شد باز میگرداند. به همان دوره خاتمی و پروژه "فرهنگی" در کردستان. بخاطر همین فرصت طلبی و رویای "رهبری جنبش قومی کرد" در فاصله کمتر از چند هفته از فراخوان مشترکشان به "تحریم" به سیاست حمایت از همان پروژه ورشکسته دو خرداد، امروز بیست و دو خرداد، باز گشته است و در یک چرخش عملا با موسوی و کروبی "اصلاح طلبان" هم صدا شده است. به اسم "مردم کردستان"، "زندانی کرد"، "حق ملی"، "جوان کرد" در این راستا شروع به عوامفریبی و خود بزرگ نمایی کرده است. آقای مهتدی اندر باب "کودتای احمدی نژاد و ولی فقیه" و اینکه در این انتخابات "تقلب" شده است برای مردم کردستان، که در این نمایش به حق شراکت نداشتند "روشنگری" میکنند و مردم را به اعتراض فراخوانده است! معلوم نیست مردمی که با عدم شرکت خود در این نمایش مشروعیت جمهوری اسلامی را نپذیرفتند حالا چرا بنا به فرخوان این جناب باید بروند و بر علیه "کودتا" یا "تقلب در انتخابات" و غیره با موسوی همراه شوند. در این فراخوان نیز درست مانند موسوی و خاتمی مودب و غمخوار و مواظب است که نکند مردم خشمگین بیرون بریزند و کل دستگاه سرکوب را برچینند. میفرمایند آرام و مدنی اعتراض کنیم!

مردم کردستان اگر سر سوزنی به آرمان و

خواست های بر حق و انقلابی خود پایبند باشند و به آزادی و رهائی واقعی و خلاصی از دست حکومت جنایتکار اسلامی فکر کنند هرگز به حرف و فراخوان چنین احزاب و "رهبران" خود گمارده ای گوش شنوا نخواهند داشت. تمام تاریخ مبارزه مردم کردستان مملو از به بیراه بردن و فروختن خواست حق طلبانه شان بوده از جانب چنین جریانات و سران ناسیونالیست بورژوا و فریبکار کرد.

مردم کردستان نباید به فراخوان موسوی و زیر پرچم کثیف سبز "اصلاح طلبان" و یا پرچم جنایتکارانه سیاه احمدی نژاد پاسخ دهند و خود را سهیم کنند. هردو این جریانات مربوط به کلیت ارتجاع حکومت اسلامی میباشند و قبل از احمدی نژاد موسوی و کروبی و جریان موسوم به اصلاح طلبان بودند که زیر رهبری خمینی جنایتکار در سالهای ۶۰ و ۶۷ دهها هزار را اعدام کردند، حمله ۲۸ مرداد سال ۵۸ را به کردستان را سازمان دادند، ۵۹ نفر را در مهاباد اعدام کردند خلخالی را به خیابانها فرستادند و سر انجام جمهوری اسلامی را در ایران و کردستان با عبور از روی جان بیش از یکصد هزار انسان شریف حاکم کردند. این جریان و سرانشان ابتدا باید به جرم جنایت محاکمه و مجازات شوند نه مدال "اصلاح طلبی" دریافت کنند! هیچ گوشه ای از پلانتفرم موسوی و مخالفان درون نظام به نفع مردم کارگر و زحمتکش و زنان و آزادیخواهان که سی سال است برای سرنگونی جمهوری اسلامی، از جمله برای نابودی خود همین "اصلاح طلبان" مبارزه میکنند ربطی ندارد. آنهای که فکر کردند با شرکت درنمایش انتخاباتی میتوانند به اهداف خود و به آزادی و یا قدمی به طرف سرنگونی رژیم بردارند صد در صد اشتباه کردند. بعد از دوره خاتمی تکرار این اشتباه در محور موسوی و کروبی فاجعه ای بود که بایستی صوت پایان کامل این توهم مردم و بازی آنان در میدان هایی باشد که عناصر و جناحهای رنگارنگ خود جمهوری اسلامی تعیین کرده اند! نتایج این نوع توهم تاسف انگیز است که افاضات خامنه ای مبنی بر "حضور ۴۰ میلیون در انتخابات تأیید مجدد مشروعیت نظام بود" را میشنویم. ما کمونیستها گفتیم این شرکت کردنها به نفع رژیم تمام میشود و اینطور هم شد. موسوی با پرچم ارتجاعی سبز و الله اکبر و اینکه رسماً گفته به ولایت فقیه،

به قانون اساسی و کلیت نظام و غیره متعهد است میبایست پایان توهم کامل به چنین افراد و پروژه هایی باشد. واقعیت این است حرکت اعتراضی که راه افتاده علیرغم هر تنفزی که مردم از رژیم دارند مادام زیر کنترل و رهبری موسوی و کروبی و یارانش است نمیتواند به نفع جنبش آزادیخواهانه و خواست سرنگونی طلبانه وسیع مردم تمام شود. بر عکس، این جنبشها و خواسته ها را مهار و تضعیف میکنند. مردم کردستان در این بستر و زیر این پرچم ها نباید بیرون بیایند و راهپیمائی کنند و به آن ملحق شوند. مردم چنانچه به غیر از خواست و شعار آزادی و برابری طلبانه خود به خیابانها بیایند در این شرایط بعنوان حامی بخشی از جمهوری اسلامی، موسوی، تداعی خواهند شد که این شایسته مردم آزادیخواه نیست! این بدتر از شرکت در خود نمایش انتخابات است. نباید به بازیچه دست جنایتکاران و دشمنان طبقاتی خود تبدیل شد. ما باید جنبش دیگری، جنبش نه ارتجاع سبز موسوی و نه ارتجاع سیاه احمدی نژاد، زنده باد آزادی زنده باد برابری، و مرگ بر جمهوری اسلامی را سازمان بدهیم و با این اهداف و پرچم ها بیرون بیاییم و خیابانها را مال خود کنیم. آنهایی که ما را از این اهداف دور نگاه میدارند و به "تغییرات از درون"، و "جنگ درون جناحهای خود رژیم" امید بسته اند حامیان سرمایه و ضد سرنگونی انقلابی و ضد جنبش آزادیخواهانه مردمند.

کمونیستها و کارگران و انسانهای آزادیخواه و متنفذ از جمهوری اسلامی نباید زیر پرچم هیچکدام از این دو جناح و جنگ خانوادگی آنها بروند. باید با شعار مرگ بر هر دو جناح و مرگ بر جمهوری اسلامی و زنده باد آزادی و برابری به میدان آمد و بدین ترتیب صف و افق خود را از بازی جناحهای جمهوری اسلامی کاملاً جدا کرد.

مردم در کردستان همانند مردم سراسر ایران میتوانند از این شکاف دشمن استفاده کنند. این به معنی حل شدن در آن وبه رنگ آن تبدیل شدن نیست! درست برعکس، بایستی مستقل از آنها خود را متحد کرد و به میدان آمد. خواست آزادی همه زندانیان سیاسی، آزادی بی قید و شرط فعالیت سیاسی، نشر و تشکل، برابری زن و مرد، بیمه بیکاری، پایان دادن به نظامی کردن محیط زندگی خود، نه اسلامی نه قومی زنده باد آزادی و برابری و غیره را میتوان طرح

## پرچم سبز موسوی پرچم خمینی است مردم راه خود را جدا کنید

ما کارگران و زنان و جوانان این مملکت است. صف ما از صف آنها جدا است و اعتراض ما علیه کلیت جمهوری اسلامی است. در جنگ آنان نباید شرکت کرد، زیر پرچم آنان نباید رفت، از شکاف دشمنانمان برای متحد کردن صف خودمان باید استفاده کرد. در محله و دانشگاه و کارخانه و خیابان زیر پرچم آزادی و برابری جمع شویم، صدای اعتراض خود را علیه کلیت جمهوری اسلامی و در دفاع از آزادی و برابری به گوش مردم برسانیم. اجازه ندهیم نیروی ما در جنگ و جدال آنها تلف شود، در مقابل حمله دستجات مسلح برای دستگیری و بازداشت مردم اعتراض کنیم، خواهان آزادی همه دستگیر شدگان، آزادی همه زندانیان سیاسی شویم. کنترل محلات زندگی خود را در دست بگیریم و مانع حمله شبانه دستجات مسلح و خانه گردی و دستگیری جوانان و مردم شویم.

**مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد آزادی و برابری**

**حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
اول تیر ۱۳۸۸ - ۲۲ ژوئن ۲۰۰۹**

روزی، به استبداد و زن آزاری نیست. اما کل داستان این است که بردن مردم زیر پرچم سبز موسوی که نوید دوران قدردستی خمینی، دوران اسید پاشی به صورت زنان، دوران میداناری دستجات قمه زن اسلامی در کوچه و خیابان، دوران قتل و کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی، دوران حمله به دانشگاهها و پاکسازی مراکز آموزشی و کارخانه ها از آزادیخواهان، را میدهد درست نقطه مقابل امیالی است که مردم دارند. مردم از جمهوری اسلامی بیزارند و سی سال است در تلاشند از هر فرصتی برای کاستن دامنه اقتدار آن، برای به زیر کشیدن کلیت آن استفاده کنند.

**مردم!**

**کارگران!**

بیانیه موسوی به روشنی نشان میدهد، که جنگ آنها به ما مردم مربوط نیست، پیروزی و شکست جناحهای جمهوری اسلامی، پیروزی و شکست مردم نیست. راه استفاده از شکاف در صف دشمنان ما رفتن به زیر پرچم یکی علیه دیگری نیست. پرچم سبز و سیاه، پرچم خامنه ای یا خمینی، پرچم انقیاد و بردگی ما مردم،

بیانیه موسوی سوگند یاد کردن به جمهوری اسلامی، به قوانین آن و تلاش برای بر گرداندن آن به دوران خمینی است. موسوی در این بیانیه به روشنی اعلام کرد که سر سوزنی به امیال مردمی که زیر پرچم سبز به خیابانها ریخته اند، سمپاتی ندارد، اعلام کرد که در تلاش است از نفرت به حق مردم از حاکمیت جمهوری اسلامی در خدمت اهداف خود، در خدمت احیای حکومت الهی و کنار گذاشتن کجرویهای جناح حاکم و نزدیکتر کردن آن به آنچه امام راحلشان در نظر داشت استفاده کند. موسوی صریح و روشن از همه قاتلین مردم، از سپاه و بسیج و ارتش و دستگاه سرکوب مردم به عنوان حامیان انقلاب اسلامی و پاسداران نظم ضد انسانی حاکم دفاع کرد. موسوی در بیانیه خود پرده از تلاش تمام جریاناتی که در این مدت کوشیدند او را به عنوان نماینده امیال مردم به جامعه معرفی کنند و مردم را به زیر پرچم او ببرند برداشت. بیش از یک هفته است دنیا شاهد اعتراضات وسیعی در شهرهای ایران است. هیچ چیز بر حق تر از اعتراض مردم به جمهوری اسلامی به فقر و سیه

→

و بدست گرفت و با این اهداف و پلاتفرم ها به میدان آمد و حول این خواستههای همیشگی خود متحد شد. مردم باید یک جنبش دیگری خارج از فراخوان و کنترل و هدایت موسوی و کروبوی و خامنه ای و احمدی نژاد و همپالگی های کرد آنها سازمان دهند و براه اندازند. آنهایی که فکر میکنند در دل جنبش سبزها "انقلاب" و راه سرنگونی رژیم را هموار میکنند خود فریبی محض میکنند. عملاً در این اوضاع چنین القا میکنند انقلاب و سرنگونی را میتوان از راه جنبشهای درونی خود رژیم، یا جنبش "همه باهم" دنبال کرد یا به آنسو برد! بعد آنها هم تشریف فرما شوند و انقلاب سواری کنند و رهبر شوند! این نگرش اتفاقاً پدیده انقلاب و خواست سرنگونی واقعی جامعه و به ویژه کارگران را تیره و تار و تحریف و مسخ میکند.

**مردم!**

**کارگران!**

کسانی که با رنگ سبز و شعار الله اکبر

دهند. در هیچ شرایط و با هیچ بهانه ای نباید پاسخشان داد. به امثال عبه مهدی، نیز که فرصت طلبانه مردم کردستان را "فراخوان" داده است به "مبارزات مردم ایران بپیوندند"، در واقع منظورش پیوستن به "اصلاح طلبان" هم جنبشی خود او ملحق شدن میباشد، نباید از جانب مردم کردستان پاسخ بگیرد! همه این "رهبران" و "شخصیت ها" سرو ته یک کرباسند، اجزا مشترک یک جنبش و طبقه اند، دشمن طبقه کارگر و کمونیسم و دشمن آزادی واقعی مردم و خواسته ها و مطالبات آزادیخواهانند در ایران و کردستان. دنبال هیچ کدام از اینها نباید رفت!

**نه سبز موسوی نه سیاه احمدی نژاد!**

**زنده باد آزادی زنده باد برابری!**

**نه اسلامی نه قومی!**

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**

حول موسوی سازمان یابند اگر به ده میلیون هم در خیابانهای تهران برسند ارتجاعی است. همانطوری که سال ۵۷ استقبال میلیونی از خمینی ارتجاعی بود. چنین حرکتی تنها با "مرگ بر دیکتاتور" گفتن نمیتواند چهره آزادیخواهی بخود بگیرد. دیکتاتورها و آدمکشان حرفه ای تر همانهایی هستند که امروز در راس و صفوف سبزها و اصلاح طلبان گرد هم آمده اند و ادای "ازادیخواهی" در می آورند!

با هر درجه بالائی که از تنفر به رژیم و جلوه هایی از آزادیخواهی در وجود انسانهای زیادی در این حرکت باشد، بی تردید هست، مادام که صدا محوری آن، رهبر، صف و اهداف و مطالبه و شعار و پرچم و افق جدا از آنچه که امروز بر آن حاکم است شکل نگیرد و سازمان نیابد این پدیده در نهایت میتواند به نفع جمهوری اسلامی تمام شود. موسوی از احمدی نژاد بیشتر جمهوری اسلامی تر است!

مردم به فراخوان موسوی و کروبوی و احمدی نژاد و خامنه ای نباید پاسخ مثبت

## مردم هوشیار باشید!

ضروری است. شما نشان دادید زمانیکه متحدید حتی با سنگ قدرت عقب راندن این جانین تا دندان مسلح را دارید. شما با متشکل شدن در محله می‌توانید قلم پای جانبانی که جرات میکنند پا به محله شما بگذارند را بشکنید.

**دستگیر شدگان آزاد باید گردند**  
**دست اوباش جمهوری اسلامی از زندگی مردم کوتاه**  
**زنده باد آزادی و برابری**

**حزب کمونیست کارگری ایران -**  
**حکمتیست**  
**اول تیر ۳۸۸ - ۲۲ ژوئن ۲۰۰۹**

در مقابل زندانهای رژیم آزادی همه دستگیر شدگان اعتراضات اخیر را تضمین کنیم.

مهمتر از آن نباید به اوباش بسیجی که از درگیری رودرور با شما عاجز هستند، اجازه داد شما را تک تک و تنها در محله و خانه خود گیر بیاورند. باید در هر محله متشکل شوید، باید متحدانه از خود دفاع کنید. اجازه ندهید اوباش بسیجی وارد محله تان شوند و حتی یک نفر را هم دستگیر کنند. با اتحاد خود در محله امکان دفاع از خود را فراهم کنید. امروز بیش از هر زمانی تشکیل گروههای جوانان محل در دفاع از آسایش و امنیت تان در مقابل تعرض اوباش رژیم

طی چند روز گذشته تعداد زیادی از مردم معترض توسط نیروهای سرکوبگر رژیم کشته و تعداد بسیار بیشتری دستگیر و روانه سیاه چالهای رژیم شده اند. حملات شبانه نیروهای نظامی و پلیسی رژیم به محلات شروع شده است. در این حملات دستجات بسیجی و نیروی انتظامی وحشیانه و عریده کشان به خانه مردم ریخته و دست به ضرب و شتم و دستگیری مردم میزنند.

**مردم!**  
خواست آزادی دستگیر شدگان اخیر یکی از مهمترین خواستههای ما است. باید همه دستگیر شدگان را از چنگال جانین جمهوری اسلامی بیرون بیاوریم. باید با حمایت از خانواده دستگیر شدگان و تجمع

## نه اعتصاب عمومی، نه رفتن سر قبر خمینی

آنها یاران موسوی و کروبوی و خمینی هستند. آنان اعتراض ما را به بی حقوقی و فقر و استبداد، اعتراض ما را به جمهوری اسلامی، زیر چتر موسوی و کروبوی میبرند تا جمهوری اسلامی را از تنفر عمیق ما در امان دارند.

نبايد گوشت دم توپ و بازیچه دست جناح های درون حکومت شد. به فراخوان های هیچکدامشان گوش ندهید. هیچ چیز محق تر از مبارزه برای سرنگونی این رژیم کثیف نیست. راه آن اما کنار این یا آن جنایتکار رژیم رفتن نیست. کار ما سرنگونی کل نظام حاکم است.

**مرگ بر جمهوری اسلامی**  
**زنده باد آزادی، زنده باد برابری**  
**حزب کمونیست کارگری ایران -**  
**حکمتیست**  
**اول تیر ۳۸۸ - ۲۲ ژوئن ۲۰۰۹**

موسوی و کروبوی هستند.

شرکت در جنگ و دعوای خانگی سران حکومت کار ما نیست. چه این یا چه آن پیروز شود، نصیب مردم همان است که بود. اتفاقات این چند روزه، تلاشهای اینها برای اظهار وفاداری به رژیم و معامله کردن بر سر جان و زندگی مردم باید بیش از پیش این واقعیت را روشن کرده باشد.

**مردم!**

به جای اعتصاب عمومی در دفاع از موسوی و کروبوی که بارها اعلام کرده اند جمهوری اسلامی پاره تنشان است، برای آزادی دستگیرشدگانتان به میدان بیایید، با تجمع در مقابل زندانهای جمهوری اسلامی عزیزانتان را تضمین کنید. اگر روزی قرار باشد اعتصاب عمومی راه انداخت، باید در دفاع از آزادی و حرمت و کرامت خودمان باشد نه یاران خمینی. آنهایی که مردم را به اعتصاب عمومی در دفاع از جناحهای جمهوری اسلامی میکشاند، در صف ما نیستند، دوستان ما نیستند،

طی یکی دو روز اخیر شایعاتی مبنی بر اعتصاب عمومی در حمایت از موسوی و کروبوی در روز سه شنبه به راه افتاده است. هر چند هیچ منبع رسمی چنین فراخوانی را علنا اعلام نکرده است اما بخش زیادی از سایتهای خبری و کانالهای خبر رسانی از این حرف میزنند. در کردستان بخشی از جریانات قومی و طرفداران جناحهای جمهوری اسلامی، آنهایی که تلاش مذبوحانه ای کردند تا مردم در "انتخابات" شرکت کنند، رسماً از مردم خواسته اند دست به اعتصاب عمومی بزنند. همزمان و پس از بیانیه موسوی و قسم خوردنش بر وفاداری به نظام و خمینی، امروز کروبوی از مردم دعوت کرده است که روز پنجشنبه برای سوگواری کشته شدگان اعتراضات اخیر به سر قبر خمینی بروند.

مردم باید به هر دو این فراخوان جواب منفی بدهند. چرا رفتن به سر قبر خمینی؟ چرا اعتصاب عمومی در دفاع از مهره های جمهوری اسلامی؟ مگر اعتراض مردم در شهرهای ایران برای نگهداری جمهوری اسلامی است؟ قاتلین جوانان در خیابانها همان یاران و شاگردان خمینی و

**نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی**